

«در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید. و زمین نهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آنها را فرو گرفت. و خدا گفت روشنایی بشود و روشنایی شد. و خدا روشنایی را دید که نیکوست و خدا روشنایی را از تاریکی جدا ساخت. و خدا روشنایی را روز نامید و تاریکی را شب نامید و شام بود و صبح بود روزی اول. و خدا گفت که فلکی باشد در میان آنها و آنها را از آنها جدا کند. و خدا فلک را بساخت و آبهای زیر فلک را از آبهای بالای فلک جدا کرد و چنین شد و خدا فلک را آسمان نامید و شام بود و صبح بود روزی دوم. و خدا گفت آبهای زیر آسمان در یک جا جمع شود و خشکی ظاهر گردد و چنین شد. و خدا خشکی را زمین نامید و اجتماع آنها را دریا نامید...»

این است تصویری که آیین یهود از آفرینش هستی در سفر تکوین (۱: ۱-۱۰) ارائه می کند؛ تصویری که با دیدگاه بسیاری از ادیان نیز مطابقت می کند. اساطیر ملل می گویند: خداهستی را از آب آفرید و برخی عقیده دارند که آفریننده هستی به اصحاق اقیانوس فرومی رود و مواد اولیه آفرینش را از اصحاق آن فراهم می آورد.

اهمیت آب

آب یکی از چهار عنصر تشکیل دهنده هستی است. در قرآن کریم آمده است: (من الماء کل شیء حی) (انبیاء: ۳۰)^(۱) ارسطو بر آن است که آب «ماده اولی و اصل هر چیزی است». نماد بارز هر آفرینش، جزیره ای است که ناگهان از دل امواج «آشکار» می شود، بدین معنی که وارد شدن در آب به منزله ورود به عالم پیش از هستی است.

عالم از آب سرشار است؛ آب در دل زمین، دریا، در جو زمین (به صورت بخار) وجود دارد و نقش اساسی را در بدن انسان بازی می کند؛ به گونه ای که نزدیک به ۷۰٪ از وزن آدمی را تشکیل می دهد.

آب حیات

آب - برعکس آتش - رو به پایین جاری می شود و بسته به نرمی زمین امتداد می یابد و از این رو مظهر آرامش و اطمینان است. به نظر اوزوالد ورث (Oswald Wirth) آب سمبل «انفعال و لطافت زنانه» در برابر نیروی مردانه آتش است.

آب تأثیر دارویی و شفابخش دارد و عنصری جادویی و نوشداری همه بیماریهاست. آب شفا می بخشد، جوانی را باز می گرداند و زندگی جاودانی را ضمانت می کند. از این روست که هر کس نمی تواند از هر راهی به سرچشمه آب حیات راه ببرد، این چشمه را دیوان پاسداری می کنند و در مناطقی یافت می شود که رسیدن بدان جز به کمک ارواح و شیاطین ممکن نیست.

آب در نظر اقوام سامی

بدین سبب، انسانها آب را پرستیده اند و اساطیر اقوام سامی، خدایی را برای باران به نام «حد»^(۲) تعیین کرده است. بابلی ها خدایی به نام آپسو (Apsu) داشته اند که مظهر آب آرام بوده، آبی است که زمین را فرامی گیرد. همان گونه که «تیامات» (Tiamat) مظهر دریایی است چرکین و سرشار از اجنه و ارواح. براساس مکتوبات بابلی آفرینش به دست خدای آپسو به پایان رسیده است. بابلی ها دریا را «بیت الحکمه» می نامند و «Onnes» - شخصیت اساطیری بابلیان - به صورت موجودی جلوه می کند که نیمه ای از او انسان و نیمه دیگرش ماهی است و از میان آبهای دریای اریتریا بیرون می آید و آموزگار فرهنگ و کتابت و ستاره شناسی است.

آب در نظر یونانیان

آیین ها و جشنهای مربوط به آب در میان یونانیان تا پایان دوران هلنی ادامه می یابد. «پوزانیاس»^(۳) (Pausanias) مراسمی را توصیف می کند که به خاطر خشکسالی در کرانه

آب در

● جان صدقه
● ترجمه محمدرضا ترکی

اسطوره شناسی - ۱



پایگاه تخصصی
تالیفات و علوم انسانی

اساطیر کهن*

بر اساس اسطوره ودائی، درخت هستی - درخت زندگی - نخست بر آب شناور بود. و در فرهنگ برهمنائی، این درخت به شکوفه «لوتس» مبدل می شود و خدای برهما از آن زاده می گردد.

آب در ایران

اساطیر ایرانی می گوید: خدایان از بزرگترین الهه پرسیدند: تو کیستی و از کجا آمده ای؟ و او پاسخ داد: «من در آب زاده شدم ... در دریا و منم که پدر این جهان را آفریدم» در ایران «آناهیتا» را الهه آب می گویند و او را زنی مقدس می دانند که «شمار گله و رمه و مملکت و دارایی ها و زمین ها را فروزی می بخشد ... الهه ای که نطفه همه مردان را پاکیزه می کند ... و مادر همه زنان است و ... و به زنان حامله در موقع لزوم شیر دهد.»^(۳)

بر اساس اساطیر ایرانی، پادشاهی تهاکار، اهریمنی دریایی را در زمین رها کرد تا عالم را بیلعد و آنها را آلوده کند. اورمزد - خدای خیر - پهلوانی را به زمین فرستاد و تا اهریمن دریایی را هلاک کند، آن گاه دختری زیبا و پاک و ناشناس برای شنا به دریاچه Kasava [کاسه اویه] رفت و از نطفه ای که زرتشت، پیش از آن در آنجا برجای گذاشته بود باردار شد و بدین ترتیب [سوشیانس] نجات دهنده زاده شد.

آب در افریقا

بر اساس اساطیر افریقایی، کودک، پیش از ولادت، با وسایل خاص خویش، به طرف جزایر تروبریاند (Trobriand) شنا می کند و در کنار ساحل منتظر می ماند، تا زنی از راه برسد و مشغول شنا شود و از این راه وارد شکم زن می شود. برخی قبایل معتقدند که ارواح اطفال در سنگهای ساحل و در اعماق دریا پراکنده اند و لذا هرگاه که امواج، شنا را به ساحل می آورد، دختران جوان این قبایل از ترس باردار شدن به ساحل نزدیک نمی شوند.

در بخش دیگری از این قاره این اعتقاد وجود دارد که باید ظرفی چوبین را از آب دریا پر کنند و در کلبه زنی که می خواهد باردار شود بگذارند تا روح کودکی نخست وارد آب و سپس وارد جان زن شود، لذا معتقدند که اگر آب را از چاه بیرون می آورند، باید برادرزن یا دای او - یعنی کسی که نسبت مادری دارد - آب را برای او ببرد. این اسطوره می افزاید: زنی که می خواهد باردار شود، اگر برادرش را به ساحل بفرستد، شی این برادر صداهایی شبیه صدای گریه بجه خواهد شنید؛ او باید بلافاصله ظرفی از آب دریا پر کند و آن را شبانه در کلبه خواهرش بگذارد.

در نخستین بارداری، باید جشنی آیینی در کنار دریا به پا کرد. زن حامله در این مراسم که همگان در آن شرکت دارند، خود را شستشو می دهد و در خلال آن پوست خز سحرآمیزی بر تن می کند. در مناطق دور از دریا، این مراسم در کنار یکی از

رود «هاگنو» (Hagno) برپا می شده و پس از این مراسم باران می باریده است. هومر از مراسم «رودها» سخن می گوید که در طی آن مردم تروا - همانند فرانسویان، آلمانی های کهن و اقوام اسلاوی قدیم - اسپهائی را زنده زنده در میان امواج می افکندند و آنها را به خدایان دریا تقدیم می کردند. در اساطیر یونان آخیلوس Achelooos بارزترین خدای رودهاست و هومر او را تقدیس می کند. اساطیر یونان شامل روایات فراوانی در مورد آب می شود.

در این اساطیر، «نرسمیس» مظهر آب و پدر او «سیزیف»، خدای رودخانه و مادرش «لیریوب» الهه چشمه ساران است. او خود را در آب می افکند و تصویر خویش را در آغوش می کشد و بدین گونه زن - مادری را جستجو می کند که شبیه به اوست و وی را پس از زادن در این دنیا رها کرده است.

اسطوره آشیل (Achille) بیان می کند که مادر آشیل «تتیس» (Thetis) او را در رودخانه سحرآمیز «استیکس» (Styx) فرو برد تا پهلوانی روپین تن و شکست ناپذیر شود، اما چون در آن هنگام پاشنه پای چپ او را در دست داشت، این قسمت از بدن او از آب بیرون ماند، پاریس - پادشاه تروا - از این نکته آگاه شد و سرانجام توانست با ضربه زدن به همین نقطه او را از پای درآورد.

در اساطیر یونان، کودک رها شده در آب، مظهر مبارزه با سرنوشت است. این کودک یتیم اگر از یاری عوامل وجود برخوردار می شد، می توانست آینده ای درخشان تر از دیگران داشته باشد؛ می توانست یک قهرمان، یک امیر یا خدایی با داستان و سرنوشتی چونان خدایان کوه المپ شود، یادآور شویم که «راوس»، «بوسیدون» و «دیونیزوس» و ... در آب رها شدند و حضرت موسی نیز چنین سرنوشتی داشت و در اساطیر یونان یکی از خدایان به چشمه آب مبدل شد.

آب در هند

باور هندیان بر آن بوده است که آب «مصدر همه چیز و همه هستی است.» در یک متن هندی، کاهن در نیایش می گوید: «باشد که آب عافیتمان دهد» که بیانگر جنبه شفا بخشی آب است. حماسه آتاروا ودا (Atharva-veda) می گوید: «آب، به راستی همه بیماریها را می زداید و شفا می بخشد.»

در هند، «ایتدیرا» در رأس هرم خدایان ودائی قرار دارد، پهلوانی ملی است که پیروزیهای شگفتی را رقم می زند. او روشنائی ناب را در جنگال می گیرد و به صاعقه مسلح می شود و گاوهای آسمانی - یعنی باران ها - را نجات می بخشد و دشمن خود «سمبارا» - اژدهایی که آب را زندانی کرده بود - از پای درمی آورد. هندیان ایتدیرا را گاو جبار می نامند که دارای هفت لگام است و دریاها هفت گانه را آزاد و جاری ساخته است. و شاید به همین خاطر باشد که هندوها رود «گنگ» را - علی رغم چرکین بودن آن - مقدس می شمارند و بیماران را در آن شستشو می دهند.

آبگیرهای مخصوص شنا برپا می شود. البته این را هم بگوییم که تنها زنان در این مراسم شرکت می کنند.

آب در اروپا

تا همین امروز، مردم جنوب غربی انگلستان، پسر بیمار را سه بار در آب چاه سن مودرو (St Maudrou) شستشو می دهند. در فرانسه، چشمه های شفابخش آن قدر فراوان اند که قابل شمارش نیستند، کافی است به چشمه بانوی عذرا در «لورد» اشاره کنیم.

آب در امریکا

مکزیک‌ها، فرزند تازه به دنیا آمده را وقف خدای آب - مادر

حقیقی - می کنند و قبل از جشن وقف، در گوش او زمزمه می کنند: ای پسر، این آب را بپذیر، زیرا الهه آب، مادر توست، و این آب تو را از گناهان پدر و مادرت پاک می سازد...» آن گاه پس از مرطوب کردن دهان و سینه و سر او با آب، می افزایند: «پذیرا باش، ای پسر، مادرت، الهه آب را...» در آمریکا اقوام متعددی هست که به خدای «مادر آب» اعتقاد دارند. زنان نازای تاتار (Tatars) رو به روی آب زانو می زنند و نیایش می کنند و در آکسفورد زن نازا برای باردار شدن به «چشمه کودک» می رود.

آب در آتیک^{۹۰}

انسان شناس انگلیسی جیمز فریزر می گوید: هر قاتلی که از آتیک تبعید می شد، اگر در اثنای گذراندن ایام تبعید، اتهام دیگری متوجه او می شد، به او اجازه می دادند که برای دفاع از خود به زادگاهش برگردد، ولی به او اجازه نمی دادند که روی زمین قدم بگذارد، او فقط می توانست در حالی که سوار بر کشتی است دفاعیه اش را بیان کند؛ حتی به کشتی اجازه نمی دادند که لنگر بیندازد یا پلکانش را روی ساحل بگذارد، قضات هم حق نداشتند به مجرم نزدیک شوند، آنها تنها



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

می توانستند همان طور که در ساحل نشسته یا ایستاده اند، حکمشان را صادر کنند.

هدف این قانون، آشکارا، این بود که قاتل در قرنطینه قرار دهد، تا با رسیدن قدمهای او به زمین - ولو به صورت غیر مستقیم و به وسیله لنگر یا پلکان کشتی - آفتی به سرزمین ایتیک نرسد. به همین علت، اگر پای مجرم می لغزید و در آب سقوط می کرد و امواج او را به ساحل می آوردند، هر چند در مدتی که اسباب بازگشت او به کشتی را فراهم می کردند، به او اجازه می دادند در ساحل خیمه بزنند، ولی او تنها اجازه داشت که در کنار ساحل بنشیند و پاهایش را هم در تمام طول این مدت باید در آب می گذاشت اما اثر زهری که گمان می کردند ممکن است بر اثر تماس پاهای او با خاک ایجاد شود، از میان برود؛ و حداقل اینکه آب، اثر این زهر را کاهش دهد.

آب در طنجه

قبیله «Les kondes» در این سرزمین معتقدند که خدا در اشیاء منزل دارد و وقتی باد می وزد و امواج را متلاطم می کند، می گویند: خداست که روی آب قدم می زند و صدای تندر خشمگین و زلزله، طنین گامهای اوست.

آب و سرانجام جهان

بر اساس اساطیر، در پایان کار جهان، آب و آتش زمین را ویران می کنند، آتش همه چیز را می سوزاند و بارانهای سیل آسا ... به مدت دوازده سال - بی وقفه می بارند. جدا از عالم اساطیر، می توان احتمال داد که دنیا به واسطه آب سنگینی که در صنایع مربوط به ساخت بمب اتمی به کار می رود، به پایان برسد!

سرانجام جهان در نظریه یهود

اساطیر یهودی می گویند: آب از این رو شفافیتش است که «تاریخ گذشته» را منسوخ می کند. در سفر چهارم ملوک آمده است: «مبتلایان به پستی هفت بار در نهر اردن فرو برده شوند و به دست مرد خدا پاکیزه گردند» (۱۴: ۵)

در پیشگویی زکریا می خوانیم: «در آن روز [پایان جهان] چشمه ای برای خاندان داود و ساکنان اورشلیم برای شستن گناهان خواهد بود.» (۱۳: ۱) و در پیشگویی حزقیال آمده است: «بر شما آبی پاک می پاشم تا از همه نجاست خویش پاکیزه شوید و تا شما را از همه بتهایتان پاک سازم.» (۲۵: ۳۶)

شستشوی دست در نظر امینی ها - یکی از جماعت های یهودی - به معنی برائت و بیزاری جستن است. از این روست که بیلاطوس بنطی^(۷) را منسوب به همین جماعت دانسته اند. چون وقتی یهودیان مصرانه از او خواستند که مسیح را بردار بکشد دست خود را شست و بدین ترتیب از این کار دوری جست.

در مسیحیت

به حسب الهیات مسیحی، آب، در آغاز ... نخستین مرکز روح القدس بود که آن را از سایر اماکن با فضیلت تر می دانست ... آب آفریننده زندگی است ... و آبی که تن را می شوید، جان را نیز پاکیزه می سازد.^۸

در مسیحیت، عمل غسل تعمید، تکرار دوباره طوفان نوح است. مسیح، نوح تازه ای است که پیروزمندانه از آب بیرون می آید تا ملت تازه ای را هدایت کند و طوفان به منزله نزول به اعماق نماد تعمید به شمار می آید، و بدین ترتیب طوفان، صورتی است که عمل غسل تعمید، آن را کامل می کند ... پس همان گونه که نوح با دریای مرگ - آنجا که انسانیت خطاکار نابود می شود - رویارو می شود، و از آن بیرون می آید، تعمید دهنده جدید نیز وارد آب می شود و پیروزمندانه بیرون می آید. پس طوفان نوح از دید اسطوره شناسی محصول «گناهان» جهان است.

الهیات مسیحی، همچنین، به واسطه آیین تعمید، مسیح را به آدم جدید تشبیه می کند. و پولس قدیس برای رابطه دو طرفه آدم - مسیح اهمیت زیادی قائل است. الهیات مسیحی می افزاید: «فرد مسیحی، در تعمید به خداوند تشبیه می جوید» لذا غسل تعمید تنها برای تطهیر از گناهان نیست، بلکه مشابهت جستن به آدم مسیح نیز هست.

غسل تعمید همچنین به قیامت نفس و توبه و مغفرت گناهان (لوقا ۳: ۳) اشاره دارد. مسیحیت می گوید: همان گونه که مسیح از قبر برمی خیزد، تعمید داده شده نیز از آب بیرون می آید، در مسیحیت نمادهای زیبایی برای آب هست؛ مثلاً وارد شدن در آب رمز شر و خروج از آن رمز قیامت است و این معنا، معنای دورتر، عمیق تر و روشن تر تعمید است ... در پایان این جمله یوحنا را بیفزاییم که می گوید: «هیچ کس نمی تواند وارد ملکوت خداوند شود، مگر آنکه زاده شود و زادگاه او آب و روح باشد.» (۳: ۵)

آب و وجود

آب - زمین

زیباترین رابطه اسطوره ای آب و زمین، رابطه جنسی است بر اساس برخی از رموز، آسمان به واسطه باران زمین را در آغوش می کشد و با آن هم بستر می شود.

آب - ماه - زن

آب مستقیماً با ماه رابطه و تقارن دارد. تناسب ماه و آب، نوایی است موزون که سرنوشت یکسان این دو آنها را به هم پیوند می دهد ...

در نیومکزیکو برخی از قبایل سرخ پوست اعتقاد دارند که زنی بسیار زیبا - یعنی زمین که نقش مادر را دارد، به خاطر فروافنادن یک قطره باران که از ابری چکید، بارور و سرسبز شد.

در گذشته، آوردن آب به خانه، کاری بود ویژه زنان، و چاه در هر بعد از ظهر شاهد گردهمایی زنانه مهمی بود و چاه، انجمن زنانه ای بود که در جوامع روستایی نقش مهمی را ایفا می کرد و دیدگاه فراگیر زنانه ای را به وجود می آورد، با رازهایی که مردان نباید به آن آگاه می شدند.

آب - زمان

این یونس (۳۹۹ هـ - ق) پس از آنکه رقاصک ساعت را اختراع کرد و آن را برای سنجش زمان و ساعت‌های شماتله دار به کار برد. به برکت این اختراع، اعراب و مسلمانان ساعت سازی را یاد گرفتند و در این کار به شهرت رسیدند، به دست آنان این فن به اروپاییان منتقل شد. یک نوع ساعت، ساعت آبی بود. شیوه کار این ساعت این چنین بود که در هر ساعت یک عددگویی در قذحی فلزی فرو می افتاد و برگرد محوری که ستارگان و اشکالی از حیوانات در آن نقش بسته بود می چرخید.

آب - مرگ

یک نویسنده آلمانی به نام (R. Kleinpaul) در یکی از کتابهایش کوشید که رابطه زندگان و مردگان را از دید اقوام بدوی تفسیر کند. او به نتیجه ای رسید که نشان می داد بر اساس دیدگاه این اقوام، مردگان در پی جذب زندگان به عالم خویش اند. به این معنی که مردگان در پی ربودن زندگان اند (امروزه نیز نماد مرگ یک جمجمه است. این سمبل، مرگ را به صورت انسانی مرده نشان می دهد). براین اساس، انسان زنده تا زمانی که خود را به کمک مجرای آب از آب، از مردگان جدا نکند، از دیدار مرگ احساس امنیت نمی کند، لذا این اقوام

مردگانشان را در جزایر و در سمت منابیل رودخانه دفن می کردند تا آب، مرگ را به قتل برساند (و جلو نفوذ مرگ از عالم مردگان به دنیای زندگان را بگیرد).

* ترجمه فصلی از رموز و طقوس؛ در اسات فی المیتولوجیا القديمة، جان صدقه، لندن، ریاض الصبر و النشر ۱۹۸۹ م.

حواشی مترجم

- ۱- در مورد آب و دیدگاههای اسلام ر.ک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل آب.
- ۲- هدد- یا حدد- خدای طوفان و باران در نظر سامیان غربی. که همان خدای «ادد» در بین النهرین است. کتعیانی‌ها آن را «بعل» و عبرانی‌ها «یهوه» می نامیدند. ر.ک: معجم الحضارات السّامیه، هنری س، عبودی، جروس برس، لبنان، ذیل همین واژه.
- ۳- پوزانیاس: مورخ و جغرافی دان یونانی (قرن دوم میلادی).
- ۴- ر.ک: پشت‌ها، آبان پشت، گزارش پورداد، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۲۳۳.
- ۵- شبه جزیره ای در جنوب شرقی یونان.
- ۶- Essens. در زمان مسیح (ع) طوایف یهود به سه دسته اصلی تقسیم می شدند: فریسیون، صدوقیون، اسپینیون. طایفه اخیر به تقوا و عزلت مشهور بودند. اینان مظهر نوعی گرایش عرفانی در مذهب یهود بودند. معجم الحضارات السّامیه. ذیل همین واژه.
- ۷- حاکمی یهودی که در ماجرای محاکمه مسیح (طبق سخن مسیحیان) خود را کنار کشید و گفت: «من از خون این صدیق بری هستم». اعلام المنجد.

